



شاه درویش

(۶)

و خود را بخدا سپردن بزبانی و خودرانی نمی‌شود و بدون اجازه ذکر از صاحب اجازه از پیش نمی‌رود و اطمینان قلب بهم نمی‌رسد مگر بذكر خدا الا بذكر الله تطمئن القلوب ای مرد عاقل دانا هر مذهب و ملتی که استقامت در دین و آئین خود دارند اگر چه باطناً باطل است اما ظاهر دنیایشان کاملست و این جماعتی که می‌گویند شیعه هستیم و طعن بمخالفین می‌زنند شما غور فرمائید که همه بدعت‌های مخالفین را با ضعاف مضاعف برپا دارند و نفاق که بدترین اخلاقست پیشه ایشانست و حب دنیا که رأس هر خطاست اندیشه ایشان و در این زمان نشان داده اند که بزرگی خروج می‌نماید که اهل نفاق را بر طرف می‌کند خصوصاً بانیان بدعت را. ای هوشیار آیا آید کریمه لارطب و لایابس الافی کتاب مبین را در کلام الله دیده‌اید یا نه اگر رزم می‌جوئی و اگر بزم طریقه در قرآن هست طریقه رزم **وَإِذَا لَقِبْتُمْ فَئَةً فِيمَا بَيْنُوا وَإِذْ كَرَّ اللَّهُ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ** و طریقه بزم **وَإِذْ كَرَّ رَبُّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخَيْصَةً دُونَ الْجَهْدِ مِنَ الْقَوْلِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ** ولیکن بشرط آنکه این معنی را در کسی تحقیق نسائید که تحقیق مذهب کرده باشد و هدایت شده باشد نه تقلید کرده باشد و در غرابت مانده باشد که مضمون **لَهُمْ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ** وصف حال ایشانست.

ای درقید افتاده این تصور را می‌فرمائید که حضرت سیدالشهدا علیه السلام موافق

* آقای احمد سهیلی خوانساری سرپرست کتابخانه ملک، از شاعران و نویسندگان محقق و هنرشناسان گرانمایه معاصر.

تر آن رزم کرد و بان نهوشد هر گاه کسی بان روش رفتار کند و بدرجه شهادت برسند و یا بر سر دنیا جدال و قتال و بجهنم واصل گردد و در زمرة شیاطین داخل اما کدام يك بهتر است ؟ ای جوان عالی بنیان بدانکه این حقیر چون این معنی را در جبهه شما مشاهده مینماید که هر گاه فراغی از صحبت نااهل داشته باشی و چراغی در شبستان دل گذاشته باشی سخنان حق را گوش مینمائی و شراب فیض الهی را نوش میفرمائی از این راه است که این بی ادبها را مینمایند. ای درویش زاده .

پسر نوح با بدن بششت	خاندان نبوتش گم شد
سگ اصحاب کعبه روزی چند	بی نیکان گرفت و مردم شد

* * *

نه عمر خضر بماند نه ملك اسکندر
 نزع بر سردنیای دون مکن درویش
 ای مرد مدبر سلاطین صفویه همگی درویش و صاحب مذهب و مروج کیش و خیر اندیش
 بوده اند و از توه باطن که بواسطه درویشان صاحب نظر متوسل بفاتح خیبر حیدر صقدر بودند
 بر خصم دین و دنیا غالب و مقضی المرام و المطالب شدند سرد قتر اهل راز حافظ شیرازی
 میفرماید : رموز مملکت خویش خسروان دانند .

اما خسرو کسی است که تاج سلطنت آسمان و زمین را بر سر گذاشته گه گفته اند :
 اگر تملطنت فقر به بخشند ای دل
 کمترین ملك تواز ماه بود تاماهی
 و پادشاهی حقیقی ائمه هدی و اولیاء الله است که با ذنس اماره جهاد امر فرموده و
 نموده اند و شناختن اولیاء اشکال دارد زیرا که :

مردان خدا که سر معنی دانند	از دیده کوتاه نظران پنهانند
اینست عجب که هر که حق را شناخت	مؤمن شد و خلق کافرش میدانند

حیران الم تو امان باید بواسطه مردان خدا یا ائمه هدی متوسل شد و آثار و اخبار
 آنها را متحمل شد بسبب اینکه هر پادشاهی را در بانی هست و بی اذن دربان بحضور نمیتوان
 رسید و داخل خانه نمیتوان شد قوله تعالی لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی ستاسوا و
 تسلموا علی اهلها و معنی حدیث هر ملائی نمیداند مگر ملائی که خدمت امام علیه السلام
 یا نایب خاص آن حضرت رسیده باشد و پرده جهل از پیش دیده وی بر چیده باشد. حقیر بخدمت
 ملاهای آن ولایت نرسیده و بحالشان مطلع نگردیده بخدمت بعضی که مشرف شده ام
 مردمان بی غرضی و مرضی و صافی احادیث قرآن را ظاهراً فارسی می توانند گفت و از ایشان
 می توان شنفت چنانچه خواسته باشید که در دنیا و آخرت بر خصم غالب آئید و بحصول
 مطالب گرائید و لا اقل ولایت خود را بآرام ترین و بر فاه همنشین سازید و نشاط ظاهراً و باطناً
 در ولایت بهم رسد خلوتی ساز کنید که غیر از خود احدی را راه نباشد و کسی از آن آگاه نه

چراکه هر يك از ابناءى اين زمان عالمى است پراز وساوس شيطان شايد اين حقير تواند دو
كلمه از شرح حال ومآل احوال تقرير نمايد وحضور بعضى لازمست زيراكه :

خلوت از اغيار مى بايد نه يار پوستين بهر دى آمد نى بهار
واين معنى راچون متعذرو متعسر ميداند بتحرير اين صفحات ترك ادب وباب عرض
مطلب گشود اى خردمند دانا.

خردمندان نصيحت گوش گيرند كريمان قول درويشان پذيرند
در آنوقت اين شود خاطر پسندت كه بدهد عاشقى ده بار پسندت

بدان وآگاه باش كه در اين زمانه پرشور و شرشورش شمشير ولايت سراز نيام بدر آورده و
منافقين را يك يك بسقر مي فرستد تا آنكه صفحه خاك از نفاق پاك و رشك افلاك شود و وفاق
در قلوب عقلا نقش بندد و دست از نزاع بر سردنيای دون برداشته پای در طريق جهاد فى سبيل
الله گذاشته كامياب دوجهان شوند و در سايه امن وامان بنغونند .

اى درويش زاده ! موافق يك دل است و منافق دوروى اين گليست پرورده وآن خاربيست
خودروى اين را بتفرج بر سر زنند وآنرا بتكلف از پاي در آورند و چنانچه آن عاقل كامل
گوش بسخنان نفاق آميز اهل دنيا نداده و در مصلحت بر روى ايشان نگشاده قول اهل نفاق
را حلقه گوش حقيقت نيوش كنند مى تواند شد كه سلاح دين را در بر آراسته نمايند و كمند
تدبير توكل را بر بازوى تعقل پيراسته و زره داودى توسل الهى را در بر و چهار آئينه توجه چهار
پير را بر چهار جانب مقرر و سنان ارادت را ستون بارگاه ارادت دستگاه و كمان اقرار و يقين
را در قربان قرب امير المومنين قرار و كيش پيروي دين را كه پراز سهام الهامست بر كمر بند
و شمشير ذكر را حمايل و سپر فكر را در مقابل دورانداز اقتدار را بر كنف اعتبار و بر مركب
شوق سوار و روى بمجاهده كفار منافقت شعار آورند و ملك دين را از مخالفت پردازند و
انشاء الله تعالى بتوفيق مولى بشرط سخن شنيدن چنين است اگر ميگوئى مذهب جبرى
صحيح است و هر چه مى كند و بنده را اختيار نيست آنچه فقير هم مى گويد خدا خواسته است
كه بگويد الحمد لله عاقل ميباشيد و العاقل يكفيه الاشاره تصور بفرمائيد كه توت بازوى
ولى اللهى بيشتراست يا تدبيرات و اهيئه باطله جهال مقيد بنفاق و گمراهى زيراكه نفاق
از جهل است و اتفاق از عقل و اين حال از مزاج شما استنباط مى شود كه از راه مصلحت
است كه مصلحت باين اشخاص مينسائيد و اعتقاد و اعتقاد بقول هيچكس نداريد .

اى هنرمند زيرك ! اين سخنان كه عرض شده نه از نجوم و رمل و اسطرلابست و نه
از حدس و گمانست بلكه بيقين مى بينم. اى جوان نكته دان ! بگو و گويا ميدانى كه فقر
آلت لهو و لعب نيست و از حجب دنيا در رنج و تعب نه بلكه ساز راكه باين قانون مينوازند
باين سبب است كه گفته اند :

زاف با خال لبث تلقین ایمان میکند نامسلمان نامسلمان را مسلمان میکند
 در تفسیر آیه شریفه اذ ارسلنا الیهم انبیین فکذبوهما فعزنا بثالث آمده است که دو نفر
 از حواریین را حضرت عیسی علی نبینا علیه السلام بدعوت قومی فرستاد هر دو را تکذیب
 کرده به زندان محبوس کردند ثالثی آن حضرت فرستاد متابعت مذهب ایشان کرد و بت-
 پرست شد تا بتدبیرات آنقوم را از جهالت نجات داد.

آنکس است اهل بشارت که اشارت دادند نکتهها هست ولی محرم اسرار کجاست
 تا این فقیر در محافل بساز و آواز شاغل است همه میگویند که درویش مرد عارفیست
 و تصدیق میکنند و چون از این مقوله سخنان حقه میگوید دلتنگ میشوند و تکذیب میکنند
 و بعضی از غایت دلتنگی خلط مبحث میکنند و از مجلس بیرون و بعضی را خواب میر باید
 و تجربه شده است و گویا حدیث هم باشد که سخن حق در جمعی مذکور نمیشود مگر اینکه
 صادقین تصدیق میکنند و منافقین تکذیب و مخالفین بیرون میروند و دنیاپرستان را خواب
 میبرد و خواب همین چشم و گوش ظاهر پوشیدن نیست بلکه خواب باطناً اغماض کردنست
 در صفت صادقین و منافقین است یوم ینفع الصادقین صدقهم و تعذب المنافقین ان المنافقین فی الدرک
 اسفل من النار و در صفحه دنیا پرستان نسبت دنیا جیفته و ظالمها کالاب. ای جوان عالیشان!
 فقیر بسیار سخنان در دل دارد که نهفتن و گفتن نمیتوان و چنانچه تارزدن دست آویز نباشد
 اولاً کسی حقیر را بمجلس خود راه نمیدهد و فرضاً هر گاه راه یابد کسی گوش بسخن نمیدهد
 و هر گاه گوش بدهند تکذیبشان سهلست که اذیت بخود میسازند چرا که درویشان کشته شدن
 را از اولیاء بارث متصرف میباشند.

هر گز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما
 اما فتوت آنست که دیگران را هم نجات از مهلکه بدهند والا اینکه خود رادیده اند
 و از فرقه ناجیه شده اند و از همتاد وسد فرقه امت جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله که یکفرقه
 را حضرت میفرمایند ناجی است و باقی هالك، ناجی آنست که پیغمبر رسیده باشد و در این
 عالم محشر خود را بر پا کرده از صراط بگذرد و این دو حدیث دلیل این دو دعویست
 اولاً موتوا قبل ان تموتوا و من مات فقد قامت قیامته و الحمد لله رب العالمین درویشان
 تا موتوا قبل ان تموتوا را بعمل نیاورند در سلك درویشی نمیتوانند درآمد و چون آن موت
 بعمل آمد قیامتشان برپاست و بیک قدم از صراط میگذرند. پس بدانید که تارزدن از چه
 راهست و باید امتیاز هم داشته باشد که دام راه دنیا پرستان لهو و لعب دوست بشود شاید
 بطمع شنیدن آواز آن گوش بسخن درویش بدهند تا از مهلکه نجات یابند. خلاصه مدعا
 اینکه هر گاه آن درویش زاده این چند صفحه را خوب مطالعه نمایند و افسانه نپندارند
 پیروی کنند امر ظاهر و باطن خود و اهل ولایت فیصل پذیر خواهد شد بیاری حضرت مولی

والا اگر تغافل و تکاهل و تساهل ورزیدند و پیروی ننمودند و آن خلوتی که عرض شده است آراسته نکردند خدا حافظ.

درویش را نباشد برگسرای سلطان مائیم و کهنه دلتی کانش بران توان زد
دیگر ماندن در کرمان مصرف ندارد و بیرون خواهد رفت و بعد خواهید دید که چه
فتنه‌ها و بلاهای گوناگون روی نماید که کسی از عهده‌اش بیرون نتواند برآید.
سرچشمه شاید گرفتن به بیل چوپر شد نشاید گذشتن به بیل
و این سخنان محض ادعا نیست چند نفر دیگر هم در کرمان هستند و بی‌یقین رسیده‌اند
در خلوت می‌تواند شد که بخدمت عرض نمایند و شهادت بدهند که آنچه فقیر می‌گوید کذب
و سرهم بندی نیست گوش بسخن فقیر بدهید تعبیر خواب آقا صادق کاشی بر شما فلاح خواهد شد.
پند حکیم عین صلاحست و محض خیر فرخنده بخت آنکه بسمع رضا شنید
حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس در بند آن مباش که نشنید یا شنید
والسلام علی من اتبع الهدی باقی والدعا

مانده دارد

تجدید چاپ شماره اول سال اول بهمن ۱۳۵۱

چون شماره اول سال اول ماهنامه تحقیقی گوهر بکلی نایاب و دوره ماهنامه
علاقه‌مندان و مشترکان ناقص بود و هر روز با پیام و نامه درخواست می‌کردند و آن شماره
را می‌خواستند ناگزیر به تجدید چاپ آن شماره مبادرت شد اینک از مشترکانی که
طالب این شماره هستند و دوره ماهنامه‌شان ناقص است تقاضا داریم فوری نام و نشان
روشن خود را کتباً اعلام دارند تا برای آنان ارسال شود.